



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۳/۱۰



بنیاد فیاض

عیوب موافقتنامه امریکا - طالبان، زمینه ساز مشکلات در مذاکره میان افغانها



دو روز بعد از امضای توافقنامه صلح میان طالبان و امریکا، ذبیح الله مجاهد، در گفتگویی با بی. بی. سی. گفت: "بعد از پایان زمان هفت روزه "کاهش خشونت ها" فعالیت های این گروه "به وضعیت قبلی" برمی گردد. او اما تأکید کرد که بر اساس توافقنامه این گروه با امریکایی ها، به سربازان خارجی حمله ای نخواهند کرد اما عملیات نظامی آنها علیه نیرو های افغان از سرگرفته شده است. او اضافه کرد که توافقی در زمینه حمله نشدن به نیروهای افغان نشده است". از جانب دیگر سخنگوی نیرو های ناتو در افغانستان به نقل از جنرال اسکات میلر، فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو نوشته است که انتظارات ما بسیار روشن است. گروه طالبان باید سطح خشونت ها را پائین نگهدارند. طی سه روز بعد از امضای موافقتنامه، به اثر حملات طالبان بر مواضع دولتی در ۱۶ ولایت تا تاریخ ۳ مارچ ۶ فرد ملکی و ۸ نظامی کشته شدند و ۱۸ تن ملکی و نظامی دیگر زخم برداشتند. به تاریخ ۴ مارچ حمله وسیع و شدید طالبان بر یک پایگاه نظامی دولت در نهر سراج ولایت هلمند دوباره پای نیروهای امریکایی را در جنگ داخل ساخت و بمباردمان توسط آنها را به دنبال داشت. قرار بود تا ۱۰ مارچ مذاکرات بین الافغانی آغاز گردد. اما طالبان رهائی ۵۰۰۰ زندانی خویش را به حیث پیش شرط مطرح میکنند. و از جانب دیگر به کرات میگویند که حکومت افغانستان را به رسمیت نمی شناسند. حالا به صورت جدی این سؤال مطرح می گردد که آیا می توان امیدوار بود که صلح امریکا - طالبان برای افغانستان هم صلح بیاورد؟ آیا نواقص متعدد توافقنامه امریکا - طالبان زمینه ساز ادامه کشتار افغانها نیست؟

برای یافتن پاسخ به این سؤال سری میزنیم به نشرات مراکز تحقیقات علمی و رسانه های معتبر تا تصویر دقیق تری از صلحی که بالای آن توافق امریکا - طالبان شده است به دست بیاوریم.

فقدان هدف و ستراتیژی دقیق برای یک صلح پایدار

انتونی ا. کوردیسمن در گزارش مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین المللی (SCIS) در مورد تلاش جاری امریکا برای صلح مینویسد: «وقتی انسان به بررسی تلاش جاری امریکا برای صلح در افغانستان می پردازد باید بسیار محتاط باشد. چندین علامت خطر حاکی از آن است که ممکن این صلح هم کوششی برای دادن یک پوشش سیاسی به خروج قوا باشد که امریکا در ویتنام به آن توافق کرده بود... تقریباً تمامی کوشش های صلح ایالات متحده و متحدین

آن فاقد یک ستراتیژی دقیق اند که به جوانب بالا تر از پیروزی نظامی یا خاتمه دادن به جنگ بپردازد. در قسمت افغانستان وقتی به جستجوی انگیزه پنهانی در عقب این فقدان ستراتیژی بپردازیم، به این نتیجه میرسیم که هیچ هدفی موجود نیست. لیکن تمام تشریحات علنی و کوشش های ایالات متحده برای صلح در افغانستان چنان سطحی و کوتاه بینانه است که نشان دهنده این واقعیت اند که این اقدامات برای پوشش سیاسی دادن به خروج قوا دیزاین شده اند». گزارش از خطر ویتنامی شدن وضع افغانستان در نتیجه شکست کوشش های فاقد عمق و نارسای صلح ایالات متحده هشدار میدهد.

تحلیل فوق ریشه اقدامات کوتاه بینانه ایالات متحده در پیوند با صلح افغانستان را برملا میسازد. اساساً حاضر شدن امریکا به انجام مذاکرات با طالبان یک اشتباه بزرگ بود که وسوسه های شیطانیه پاکستان و عطش شدید ترامپ برای خروج نیروهایش از افغانستان، امریکا را به این دام انداخت. اشتیاق امریکا برای رسیدن سریع به توافقنامه با طالبان، این کشور را وادار به کنار گذاشتن نظام و حکومتی کرد که امریکا در ایجاد آن نقش تسهیل کننده داشت. اشرف غنی با درک این واقعیت که امریکا در پی خروج عاجل است، به امریکا پیشنهاد نمود که قرارداد خروج قوا را نه با طالبان بلکه با جمهوری اسلامی افغانستان امضاء کند و قبل از آن به تقویت قوای هوایی افغانستان بپردازد تا این قوا قادر به دفع مستقل حملات مشترک طالبان و عساکر پاکستان باشد. اما امریکا میخواست برای اینکه ادعای پیروزی کرده بتواند، از طالبان تعهداتی بگیرد مبنی بر قطع روابط با القاعده و به خطر مواجهه نساختن امنیت امریکا از خاک افغانستان. طالبان در توافقنامه این تعهد را دادند. اما بعید به نظر میرسد که به آن عمل کنند.

میگویند تعهدات امریکا مشروط است، اما مشخص نیست این شرایط دقیقاً چیست؟

کاندولیزا رایس مشاور امنیت ملی جورج بوش طی مقاله ای در نیویارک تایمز موافقتنامه امریکا - طالبان را کاملاً ناقص دانسته و می نویسد: "امریکا تعهدات زیادی به طالبان داده ولی چیز نسبتاً کمی را به دست آورده است... امریکا گفته این موافقتنامه مشروط است اما معلوم نیست تحت کدام شرایط امریکا میتواند از تعهدات خود عدول کند."

عدم یاد آوری از حکومت افغانستان در متن موافقتنامه به طالبان مشروعیت بخشیده است

کاندولیزا رایس اضافه میکند: "امریکا با طالبان مذاکرتی را انجام داد که حکومت افغانستان از آن بیرون نگه داشته شد و حتی یکبار هم در این موافقتنامه از حکومت افغانستان نام برده نشده است. با این عمل اداره ترمپ به طالبان مشروعیت بخشیده و حکومت افغانستان را ضعیف تر میسازد. در چنین شرایطی ولو مذاکرات بین الافغانی آغاز هم گردد، شدیداً به نفع طالبان تمام خواهد شد."

تعهدات مهم را امریکا داده و برای حکومت افغانستان چیزی برای مبادله نگذاشته است

کاندولیزا رایس در نیویارک تایمز می نویسد: "با دادن تعهد خروج قوا و خارج ساختن نام رهبران طالبان از لیست سیاه ملل متحد، امریکا هیچ کارت برنده ای برای دولت افغانستان باقی نگذاشت تا با توسل به آن نکاتی چون تأمین حقوق مدنی برای همه اتباع و مساوات حقوق زنان را بر طالبان بقبولانند. . . مذاکرات بین الافغانی شاید ماه ها یا سالها دوام کند ولی قوای امریکائی بعد از ۱۴ ماه به صفر میرسد و آنگاه چاره دیگری ندارند جز اینکه تأمین امنیت امریکا با قراردادی به طالبان واگذار کنند."

تعهد رهائی ۵۰۰۰ زندانی طالب از زندانهای افغانستان

اما رایس یک سند برنده مهم دیگر را فراموش کرده که امریکا، بدون آنکه در زمینه ذیصلاح باشد، از حکومت افغانستان یک سند برنده دیگر یعنی رهائی زندانیان طالب را نیز صادره نموده و خود به طالبان تعهد رهائی ۵۰۰۰ زندانی را قبل از آغاز مذاکرات بین الافغانی داده است. آیا این بدان معنی نیست که امریکا خواسته با تعرض به حاکمیت ملی افغانستان، حکومت را از همه وسایل فشار در مذاکره با طالبان محروم سازد؟ منابع مطلع می گویند که در لیست این ۵۰۰۰ زندانی که طالبان ترتیب داده و به امریکا تسلیم کرده اند، ۷۵۴ جنایتکار پاکستانی که به خاطر ارتکاب جرایم جاسوسی و تروریزم در زندان های افغانستان به سر می برند، نیز شامل اند. قرار معلوم در عقب خواست طالبان (بخوان: پاکستان) برای رهائی این پنجهزار زندانی قبل از مذاکرات بین الافغانی، نقشه چاق ساختن جنگ علیه نیروهای امنیتی تا سقوط رژیم فعلی و ورود فاتحانه طالبان به کابل نهفته باشد، طرحی که اخیراً یک جنرال پاکستانی در مقابل کمره با تهدید افغانستان به تطبیق آن از اقدام احتمالی دولت متبوع خود به پیاده کردن سناریوی مشابه به سقوط حکومت نجیب در ۱۹۹۲ اشاره کرده است. امیدواریم پاکستانی ها این آرمان را به گور ببرند زیرا موقف و موقعیت کنونی با حالات اسف انگیز ۱۹۹۲ قابل مقایسه نیست.

پومپئو در آخرین لحظات به هدف تبلیغ انتخاباتی برای ترمپ به طالبان گذشتهای بیشتر نموده است

در شماره اول مارچ روزنامه دهلی تلگراف هم نظری به توافقنامه امریکا - طالبان انداخته شده است. تلگراف مینویسد: "منتقدان ترمپ ادعا میکنند که در روزهای اخیر مذاکرات گذشت هائی بیشتر به طالبان شد تا ترمپ بتواند از یک موفقیت بزرگ دیپلماتیک صحبت کند... اما طالبان در رسانه های اجتماعی موافقتنامه را بحیث سند پیروزی خویش در جنگ بر ایالات متحده معرفی میکنند و شاید به افراد جنگی خود بگویند این یک توافق تاکتیکی است و استناد به مجاز بودن همچو استفاده تاکتیکی در متون دینی بکنند... گاردین به نقل قول از مالینوفسکی عضو دموکرات کانگرس امریکا مینویسد: (در مونیخ مایک پامپئو به من وسایر اعضای کانگرس وعده داد که در متن موافقتنامه حرفی در باره رهائی زندانیان از زندانهای حکومت افغانستان قبل از مذاکرات بین الافغانی موجود نباشد. امروز دیدم که وعده رهائی ۵۰۰۰ زندانی داده شده است.)" احتمال دارد عین وعده در مونیخ به اشرف غنی هم داده شده باشد. البته هیچ فرد افغان حاضر به سازش در قسمت حق حاکمیت ملی کشورش نیست. اگر سیاستمداری را می بینید که تحت پوشش صلح خواهی از رهائی زندانیان طبق توافقنامه امریکا - طالبان طرفداری میکند، متیقن باشید که نوکر بیگانه است.

حرکات و مواضع غیر منطقی طالبان که از اسلام آباد دیکته می شوند، هدفی جز بدست آوردن قدرت انحصاری به کمک کرنیل های پاکستانی، احیای امارت اسلامی و به بند و زنجیر کشیدن همه حقوق و آزادی های مردم افغانستان و پامال نمودن کرامت انسانی و غرور ملی افغانها ندارند. ما افغانها باید اجازه ندهیم خارجی ها تحت پوشش صلح سرنوشت ملت ما را به مسیر وابستگی به پاکستان و عقبگرد تاریخی به امارت رقم بزنند. سماجت تیم ثبات و همگرایی در پافشاری بر عدم پذیرش نتایج انتخابات و تائید بند رهائی ۵۰۰۰ زندانی طالب در توافقنامه امریکا - طالبان توسط

این تیم، مسئولیت هر نوع بی ثباتی و جری شدن طالبان را که تا سرحد خیانت تاریخی سنگین است، بدوش اعضای این تیم خواهد گذاشت.

اخیراً نمایندگان امریکا و روسیه اعلان نموده اند که نظام امارت اسلامی برای آنها غیر قابل قبول است و آنرا به رسمیت نخواهند شناخت. این بجای خویش یک قدم مثبت برای لگام زدن به امارت طلبی طالبان است. اما افغان ها از شکل "دولت اسلامی افغانستان" هم که از ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶ بر آنها تحمیل شده بود تجربه بدی دارند. این نظام نیز مشروعیت خود را همچو امارت از یک شورای (اهل و عقد) مرکب از علمای دینی هم ایدئولوژی حکام بنیادگرا می گیرد که تفاوت آن با امارت اسلامی فقط اسمی است. نظامی که مشروعیت خود را از انتخابات آزاد و مستقیم اتباع کشور نگیرد، هر نامی که بالای آن بگذارند برای مردم افغانستان قابل قبول نخواهد بود. "کابلوف" در عین زمان گفته است: " روسیه حاضر است برای مبارزه با تروریسم به افغانستان نظامیانش را بفرستد. ما این نیت نیک خود را تحمیل نمی کنیم اما منتظر تقاضای رسمی یک نظام عادی(!؟) که از همه مردم افغانستان نمایندگی کند، و در نتیجه مذاکرات بین افغانها بوجود بیاید، می باشیم".

جواب ما به این دیپلمات پُر رو و یادگار دوران بریژنیف و دولت متبوعش (که از همه مردم روسیه نمایندگی نمی کند) این است که ما افغانها هرگز اجازه نمی دهیم که حتی یک عسکر روسی داخل کشور ما شود.

هنوز نسل کشی را که شما ده سال اشغال در کشور ما ادامه دادید و ۹ میلیون نفر را بی خان و مان ساختید فراموش نکرده ایم. ۷ مارچ ۲۰۲۰

